

# افطار و سحر به وقت خدمت

• **دم اذان مغرب است و هنوز همکارانش از ماموریت اعزامی باز نگشته اند. اگر چه کار ها تقسیم شده و نیمی از ماه مبارک رمضان شیفقت هستند اما باز هم گاهی اوقات افطاری و سحری نخورده اعزام می شوند و معتقدند این کار ثوابش بسیار بالاتر است چون اقدام برای نجات جان انسان ها واجب است.**

رجبیر – فرخ نژاد

یکی از بهترین لحظات ماه رمضان لحظه حضور در کنار خانواده سر سفره افطار است اما با این وجود هستند افرادی که به واسطه نوع کارشان کمتر می توانند از لحظه های افطار در کنار خانواده بهره ببرند. گاهی دفاع از خاک میهن، تأمین امنیت، نجات جان یک انسان، امداد رسانی به یک در راه مانده و چندین و چند کار دیگر باعث می شودتا برخی غایب این لحظه های ناب باشند. کم نیستند افرادی که در ساعات افطار حاضر در پشت میز خدمتند و برای لحظه ای هم از خدمت به مردم دریغ نمی کنند . خراسان جنوبی قرار بود مهمان سفره افطار آتش نشانان، اورژانس ۱۱۵، نیروهای ۱۱۰، پرستاران ویزشکان بیمارستان ها، اپراتورهای ۱۱۸، رانندگان اتوبوس های درون شهری و... هم باشد اما فقط موفق شد دقایقی مهمان سفره افطاری آتش نشانان،نیروهای ۱۱۰ و ۱۱۵ باشدویروکراسی های اداری اجازه نداد که دیگر افرادی که هنگام افطار به خدمت رسانی مشغولند به گفتگو بنشینند. زمزمه ربنا ی نزدیک اذان مغرب گوش نوازترین آوای روحانی می شودوقتی دل می سپارند به او که یخشنده و مهربان است با هر واژه دعا جانشان تازه می شودو روحشان درخششی تازه می یابد.

در فضایی اورژانس مردانی از خود گذشته زمان را با دلهره ای وصف نشدنی به لحظات سحر و افطار پیوند می زنند. سفره ای پهن می شودهر چند کوچک برای جمع ۵ نفره شان اما عطر نوع دوستی و زمزمه های زیر لبشان که مدام ذکر می گویند اینجا را معطر کرده است. صدای اذان که در فضا می پیچد به آقامه صلاه عشق می ایستند.

آنها به خوبی جنس حادثه را می شناسندو از نزدیک لمسش کرده اند وقتی بارها هنوز سر سفره افطار و سحر نشسته سوار بر ماشین اورژانس به یاری همونعان اقدام کرده اند.

۲۶ سال سن داردو لحظه لحظه کارش را به خوبی به خاطر داردو ۶ سال است که کمتر لحظه ای از افطارو سحر کنار خانواده نشسته است.

«شاهین فر» از شب گذشته صحبت می کند که او باید کنار تلفن می ماند و همکارانش با دهان روزه برای امداد رسانی و نجات مصدوم اعزام می شدند. سفره افطار ساعت ها بعداز افطار پهن بودو آنها برای امداد

رسانی لحظه ای درنگ نکرده بودند. دم اذان مغرب است و هنوز همکارانش از ماموریت اعزامی باز نگشته اند. اگر چه کارها تقسیم شده و نیمی از ماه مبارک رمضان شیفقت هستند اما باز هم گاهی اوقات افطاری و سحری نخورده اعزام می شوند و معتقدند این کار ثوابش بسیار بالاتر است چون اقدام برای نجات جان انسان ها واجب است.

او هم روزهایی را تجربه کرده که حتی ساعتی بعد از لحظات افطار هنوز روزه بوده است . او حاضر نیست لحظات لیخند بیمار را با هیچ چیز دیگری عوض کند. خاطره تلخی هم دارد از سحر دو سال گذشته که برای ماموریت اعزام شد و تلاش های او و همکارانش برای نجات جان بیماری که دچار ایست قلبی شده بود اثر بخش نبود و ناامیدانه به پایگاه اورژانس باز گشتند. یکی دیگر از همکارانشان گرد پیری به سروصورت داردو ۲۲ سال است در قامت یک پرستار حضور دارد سابقه اش را ورق می زند؛ اورژانس بیمارستان امام رضا، ICU و... .

۱۵ سال است که بسیار پیش آمده که نتوانسته سر سفره افطار و سحر خانه حاضر شود.

سختی کار و کمک به مردم در این ماه عزیز برایش شیرین است اگر چه گاهی اوقات خانواده از او گلابه مند هستند.

روزهایی را به خاطر دارد که سحری و افطاری نخورده به ماموریت اعزام شده و ۲ ساعت بعد یاز گشته است . «همدی ابادی» هم ۱۹ سال است بسیاری از لحظات افطار و سحر را کنار خانواده اش نبوده است. می گوید: لحظات افطار مردم عجله دارند که زودتر به خانه یا مهمانی بر سند و برای همین گاه دچار حادثه می شوند من هم مانند همکارانم بارها بدون خوردن افطاری ساعت ها مشغول امداد بوده ام و گاهی اوقات دو ساعت بعد از اذان مغرب افطار کرده ام.

همکار دیگرشان در اتاق دیس پیچ نشسته است تا اگر فرد دچار مشکلی تماس گرفت پشت خط تلفن منتظر پاسخ نماند می گوید: ۱۳ سال است بسیاری از سحرها و افطارها را کنار همکارانم می گذرانم. «حسنی» می افزاید: سال ها تکنسین و راننده بودم و ماموریت های بی در پی می رفتم و در پایگاه های جاده ای خدمت می کردم برای همین از زمان مراجمه به بالین بیمار تازمانی که او را به بیمارستان تحویل می دادیم زیاد طول می کشیدو گاهی اوقات ساعت ها از زمان افطار می گذشت و هنوز روزه بودیم.

حتی گاهی اوقات سحری و افطاری را داخل ماشین اورژانس می خوردم چون می دانستم ماموریت ساعت ها طول می کشد برخی وقت ها هم فرصت نمی شد فقط بطری آبی یا خودمان بر می داشتیم تا روز بعد که روزه هستیم تشنه نشویم. خاطره ای هم از زمان خدمت در پایگاه جاده ای در ماه مبارک رمضان دارد. خانم بارداری را باید از یک روستای نزدیک پایگاه جاده ای اورژانس بیهودان به بیمارستان می رساندیم و مجبور بودیم برای صرف سحری با همکارم

به صورت شیفتی جایمان را عوض کنیم . در مسیر نوزاد نرسیده به بیمارستان در آمبولانس به دنیا آمدو این خاطره خوش برایم ماندگار شد. آن ها به نوبت افطار می کنند چون باید یک نفر کنار دستگاه بنشیند و به تماس های مردم پاسخ دهد. وجدان همیشه بیدارشان خواب از چشمانشان ربوده، از خود گذشتگی شان زمانی بیشتر نمود پیدا می کند که اولین خرم را به سمت دهان می برند اما تماس یک شهروند باعث می شود افطار نکرده سفره را رها کرده و به کمکش بشتابند.

همین چند روز پیش برای امداد رسانی به یک بیمار دچار تنگی نفس در مهر شهر از خوردن سحری باز ماندند و انجام وظیفه را مهم تر از خوردن سحری دانستند. نزدیکان بیمار گاهی اوقات به دلیل داشتن استرس کنترل خود را از دست می دهندو به پر خاشگری می پردازند اما دل دریایی این مردان با درک موقعیت آنها ناراحت نمی شودو آنها هم چنان به وظیفه شان عمل می کنند.

• **پای سفره افطار مردان آب و آتش** هنوز نمازشان تمام نشده که صدای آژیر در فضا می پیچد به ناچار نماز را می شکندند تا عهد و پیمان شکسته باشند و به کمک همشهری ای بشتابند که شاید در حال تجربه لحظات تلخی از نوع حادثه باشد.

شبانه روز در همین لباس با حضور دل حاضرند و آماده می خندندو می گویند گاهی صدای زنگ تلفن ها باعث می شود حتی در خانه هم نیم خیز شویم به گمان آن که آنجا هم ماموریم و حادثه دیده ای منتظر امداد رسانی.

«غلام رضا صحرا گرد» که در قامت مردانی از جنس آب و آتش دیر زمانی است گرمای آتش حادثه را به جان خریده تا مبادا شهروندی در حادثه ای از بین برود می گوید: ۱۰ سال است که افطار و سحر های زیادی سر

سفره پایگاه آتش نشانی نشسته ام. حتی برخی اوقات سر سفره افطار دغدغه ام جاده است که مبادا اتفاقی رخ دهد و شهروندی دچار آسیب شود بارها اتفاقی مارا از سر سفره افطار و سحر بلند کرده بی آنکه لب به غذا ببریم. ساعت به وقت آنها تنظیم شده است شغلشان ساعت نمی شناسد و آنها خودشان را با همه این شرایط وفق داده اند.

میان شعله های آتش خاطرات تلخی ورق می خورد که بال و پر این ققنوس ها را می سوزاند اما او در حادثه آتش سوزی حضور نداشته که تلفات جانی در میان باشد. شب های قدر هم همین جا به عبادت می پردازند دست هایشان به دعا بلند می شود برای سالی که از روز دارند بدون حادثه تمام شود ۶ نفر هستند که

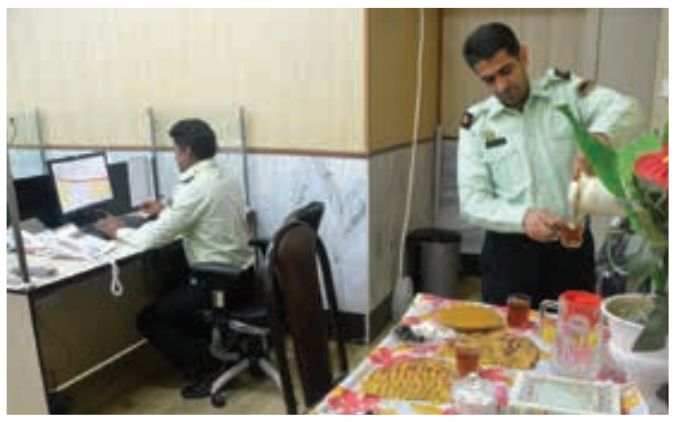
کنار هم در این پایگاه راهی را برگزیده اند از جنس انسانیت. «گل سرخی» ۴ سال است که وارد این مسیر سبز شده است و پیش از آن در مجموعه شهرداری مشغول به خدمت بود از دوران کودکی دوست داشت در قامت یک آتش نشان خدمت کند برای همین تمام قد ایستاده و مشکلات را تحمل می کند.

خاطره شیرینش شاید نجات یک حادثه دیده باشد اما بیشتر خاطر آتش تلخ است.

بوی غذایی که خودشان همین جا با همکاری هم تهیه می کنند در فضا می پیچد و سفره افطارشان پهن می شود با یک افطاری ساده در محیطی که هر لحظه اش دلهره و اضطراب به همراه دارد.

شاید او جوان ترین فرد این جمع باشد. «الماسی» سومین ماه رمضان را کنار همکارانش می گذرانند هنوز روز پیشواز ماه رمضان بود که او به همراه همکارانش به محل حادثه اعزام شد اما دلش به درد آمده از رفتار نادرست برخی که دلهره را مهمان دلش کرده بودند و خودشان با بی خیالی تمام مشغول گرفتن فیلم و عکس سلفی شده بودند.

شیرینی این خاطره زمانی در ذهنم جا خوش کرده که صدای تیریک گفتن همکارانم را بالایا چاه بابت نجات جان یک انسان شنیده ام. عاشق کارشان هستند و بهترین لحظات زندگی شان ریزش می کندووی ۱۷ ساعت با یک مصدوم نیمه جان



و خودشان فکر می کنند آنها دل مشغولی حادثه را دارند و فکرشان حول محور خدمت رسانی می چرخد. با علی گفتن دوستانش او را از چاه بیرون کشیدند و بعد از آن او به نزد ۳ روز روزه اش به یمن نجات مصدوم عمل می کند این موضوع را همکارانش دور از چشم



او می گویند.

می گوید: اگر همکارانم ادعا می کنند خاطره شیرینی نداریم بابت این است که همیشه در موقعیت سختی های دیگران قرار گرفته ایم و زمانی تماس می گیرند که کاری از دست خودشان ساخته نیست بنابراین زمان سختی دیگران نمی توان خاطره خوشی داشتو به طور حتم نمی توانم بگویم زمانی که انسانی را نجات دادم که لحظه سختی برایش بود خاطره شیرینی رقم خورد.

شیرینی این خاطره زمانی در ذهنم جا خوش کرده که صدای تیریک گفتن همکارانم را بالایا چاه بابت نجات جان یک انسان شنیده ام.

عاشق کارشان هستند و بهترین لحظات زندگی شان گاه زمان روحانی افطار و سحر است و همه به خداوند

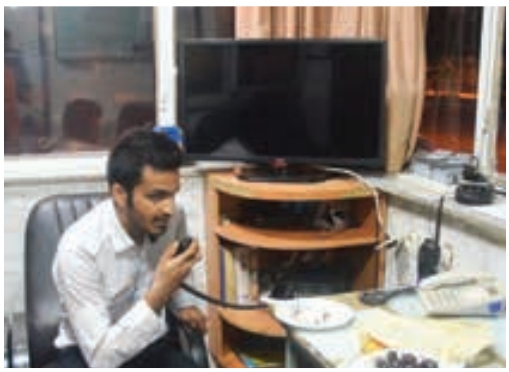
عکس ها و تصاویر

لحظه محل کارشان متفاوت می شودو در یک نقطه از شهر حضور دارند.

۱۲ سال است که «حسین آذر پندار» آتش نشان است یک سوم روزهای ماه رمضان، پایگاه آتش نشانی خانه اش است و او پای سفره افطار و سحر اهالی خانه دوم خود می نشیند.

او هم از ساعت هایی می گوید که با دهان روزه امداد رسانی کرده و حتی تا ۳ ساعت بعد از افطار کامش به قطره آب و دانه خرمایی آشنا نشده است بسیاری از سحرها هم بدون خوردن سحری روزه عشق گرفته است. «سعید صادقی» اولین ماه رمضان را در پایگاه آتش نشانی تجربه می کند و ۶ ماه است که اینجا حضور دارد و با دهان روزه دو ماموریت تا سوم ماه مبارک رمضان رفته است شاهد خلوص نیت همکارانش است و سختی کار را در حال حاضر از نزدیک لمس می کند و معتقد است این روزها داری را خدا از همکارانش قبول می کند.

«بهمدی» هم دوسال است پای سفره افطار و سحر همکارانش به همراه بیسیم آتش نشانی می نشیندو در این دو سال شاهد حوادث زیادی بوده است و روزها



های ماه رمضان را به خوبی در هاله های دود و آتش درک کرده است. آستین بالایی زندو سحری درست می کنند اما گاهی اوقات ناگهان اعلام ماموریت می شودو فراموش می کنند اجاق گاز را خاموش کنند و بعد از ساعتی با غذای سوخته مواجه می شوند.

به خاطر دارند که سال گذشته در ماه رمضان برای اطفا ی حریق در بازار چه ساعت ۲ بعد از ظهر به مرز ماهیرود اعزام شدند و همه این خاطرات رمضان را برایشان مملو از لحظات نابیی می کند که با خلوص همراه است.

• **سر سفره افطار خدمت**

آوای ربنا که در شهر می پیچد آن ها هنوز گوش به زنگ اند تا حتی اگر بعد از ۱۶ ساعت تشنگی و گرسنگی در گرما گرم هوای ماه آخر بهار فردی در راه مانده باشد، تصادفی رخ داده و خدای نکرده جان چند نفر در خطر باشد و... اعزام محل وقوع حادثه شوند و حلال مشکلات باشند.

همه مهمان سفره ما مهمانی خدایند اما آن ها لباس تأمین امنیت به تن کرده اندو گوش به زنگ هستند تا با مشاوره و راهنمایی گری از مشکلات شهروندی بگشایند و با هم به محل وقوع حادثه اعزام شوند و با حضور در آن محل گره گشایی کنند.

برای ثانیه ای حتی زمانی که صدای اذان در شهر پیچیده و همه پای سفره افطار با خانواده نشسته اند زنگ های تلفن امان نمی دهدو نمی شود برای چند دقیقه هم دست از کار کشید شاید اگر برای ثانیه ای دست از کار بکشند آن طرف خط جان فردی در خطر باشدو یا هر اتفاق دیگری به وقوع پیبوند.

وقتی می خواهند افطار کنند نوبتی این کار را انجام می دهند تا حتی یک تماس تلفنی هم بی جواب نماند.

در ماه مهمانی خدا آن ها مهمان خدمت به مردم هستند هر چند که این خدمت برای آن ها رمضان و غیر رمضان و سرما و گرم ندارد.

چقدر خوب است گاهی از خانواده دل کنند و مهمان سفره افطاری آن هایی شدن که هنگام سحر و افطار مهمان محل خدمتند. اما آن ها خرسندند و هیچ گلابه ای ندارند زیرا سر سفره افطار خدمت به مردم اند.

این بار مهمان مرکز فوریت های پلیسی ۱۱۰ نیروی انتظامی خراسان جنوبی می شویم که برای هیاهوی تماس هایی که بی وقعه با این مرکز برقرار می شود گم می شویم.

شاید آن ها با زنگ های مداوم تلفن خو گرفته باشند اما برای افرادی که تازه وارد هستند و برای اولین بار به این محیط پای می گذارند شاید به صدا در آمدن همزمان زنگ چند تلفن چندان به مذاقشان خوش نیاید. همان لحظه ای هم که «خراسان جنوبی» مهمان آن هاست و اوای خوش اذان هم پایان یافته است اما تماس های مردم از نقطه ای به آن ها امان نمی دهد افطاری ساده روی میز قرار گیرد و لبتی ترکند و یا لقمه ای نان و پنیر در دهان بگذارند.

با یکی از نیروها به نمایندگی از دیگر همکاران همکلام می شویم. خود را «عرب پور» معرفی می کند. او که حدود یک دهه است لباس سربازی و دفاع از وطن در نیروی انتظامی به تن کرده است می گوید: بیشتر وقت ها که خیلی از دوستان و مردم در کنار خانواده هستند نیروهای جان برکف نیروی انتظامی در خدمت مردم و شهروندان هستند و این زمان تنها مختص به افطار نیست چون ساعت کاری نیروی انتظامی به صورت شیفتی است و هنگام سحر هم در محل خدمت هستند.

به گفته او خانواده های آن ها هم از همان ابتدا با شرایط کاری شان کنار آمده اند و پذیرفته اند و اکنون هم گلابه ای ندارند زیرا این محدودیت ها و مشکلات را قبول کرده اند. لحظه لحظه حضور برای خدمت به مردم خاطره است آن طور که او می گوید: بیشتر وقت ها ساعت ۴ و ۵ بعد از ظهر من و همکارانم عازم یک ماموریت می شویم تا در یک ساعت کار را جمع کنیم اما گاهی این ماموریت آن قدر طول می کشد که ساعت ۱۱ و ۱۰ شب به محل کار بر می گردیم و همان ساعت هم افطار می کنیم. البته این به ماموریت ها تنها مربوط به همکاران مرکز استان نیست.

شب هایی که آن ها در کنار خانواده اند هم هر چند لحظات خیلی خوبی است اما این حضور سبب نمی شود که دعاگوی دوستان و همکارانی که در لباس آن ها در حال خدمت به مردم هستند نباشند بلکه همیشه دعای خیر آن ها پشت سر همکارانشان است. وی با اشاره به وجود ۱۱ شهرستان در خراسان جنوبی می گوید: این مرکز ۷ شهرستان را پوشش می دهد و روزانه به طور میانگین ۶۰۰ تا ۷۰۰ تماس از نقاط مختلف استان داریم که چون ۶۰ درصد این تماس ها عملیاتی است همکاران هم در شهرستان های مختلف تقسیم شده و به ماموریت اعزام می شوند.

به گفته او ۳۰ درصد افرادی هم که تماس می گیرند توسط همکاران و کاربران توصیه و ارشاد می شوند. به علاوه ۱۰ درصد از این تماسها نیز غیر عملیاتی است. در پایان هم می گوید: امداد رسانی در هر لباس و هر ارگانی که خدمت کنی زیباست و نمی شود شیرینی های آن را زیاد برد هر چند سختی های زیادی شاید تا به سر انجام رسیدن آن خدمت محتمل شویم اما شیرینی آن هیچ گاه از یاد نمی رود. این ها گلچینی از آن هایی هستند که به واسطه شغلی که از سر علاقه و عشق انتخاب کرده اند همیشه و در همه حال مهمان سفره خدمت به مردم هستند. علاوه بر این عزیزان شاغلان دیگری مانند رانندگان اتوبوس، کارمندان ۱۱۸، رانندگان آژانس ها، کارمندان بیمارستان، پرستاران، پزشکان و... هم هستند که به جای این که مهمان سفره افطار باشند در محل کار حضور دارند و به مردم یاری می رسانند.